

اخبار و گزارش های کارگری 3 اسفند ماه 1403

- تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا اصفهان نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت بموقع مطالبات با شعار «دلار شده 100 تومن اضافه کار 20 تومن»

- برگزاری انتخابات انجمن صنفی معلمان فارس به صورت ترمیمی توسط مجمع عمومی در فضای مجازی

- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در حمایت از اعتراضات دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی و عدم تامین امنیت

برخی از من و تو دادرسی نیست

- بیانیه کانون نویسندگان ایران:

فرخنده باد روز زبان مادری؛ روز زبان های مردم ایران!

- تداوم سرکوب معلمان؛ حبس ابوالفضل خوران در زندان اراک

- زهره دادرسی فعال زنان و زندانی سیاسی از شرکت در جلسه کنکور دکتری منع شد

*تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا اصفهان نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت بموقع مطالبات با شعار «دلار شده 100 تومن اضافه کار 20 تومن»

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 3 اسفند، از تجمع اعتراضی روز سه شنبه 30 بهمن پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا اصفهان نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت بموقع مطالبات با شعار «دلار شده 100 تومن، اضافه کار 20 تومن»، خبر می دهد.

*برگزاری انتخابات انجمن صنفی معلمان فارس به صورت ترمیمی توسط مجمع عمومی در فضای مجازی

انجمن صنفی معلمان فارس، پس از چندین ماه تلاش و فعالیت مستمر، با برگزاری مجمع عمومی در فضای مجازی و با حضور فعالین صنفی استان فارس، موفق به برگزاری انتخابات بین اعضای جدید هیئت مدیره و بازرسین انجمن شد.

این مجمع طی دو روز متوالی، در ۴۸ ساعت، در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه ۱۴۰۳

با نظارت پنج فعال صنفی معلمان تحت عنوان هیئت رئیسه توانست ۶ عضو اصلی و ۴ عضو علی البدل به جمع هیئت مدیره و بازرسین انجمن صنفی معلمان فارس اضافه کند.

با آرزوی موفقیت همه فعالین دغدغه مند صنفی در مسیر مطالبات صنفی فرهنگیان و تلاش پیرامون احقاق حقوق جامعه فرهنگیان، دانش آموزان و احیای اصول مهجور مانده قانون اساسی از جمله داشتن تشکل مستقل در تمام صنوف فرهنگیان، احیای اصل ۳۰ و به رسمیت شناختن اصل ۲۷.

انجمن صنفی معلمان فارس روزهای خوب و پر بار در سایه اتحاد، همبستگی و برابری، برای تمام فرهنگیان در سراسر کشور آرزومند است.

***بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در حمایت از اعتراضات دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی و عدم تامین امنیت**

پرخیز که غیر از من و تو دادرسی نیست

دانشجویان، به عنوان قشر آگاه و پیشرو جامعه، همواره پیشگام تغییرات اجتماعی بوده‌اند. آن‌ها با شجاعت و صداقت، صدای کسانی هستند که به دلایل مختلف نمی‌توانند سخن بگویند.

اعتراضات دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی در چند قدمی ورودی خوابگاه کوی دانشگاه تهران، تنها واکنش به مرگ یک فرد نیست بلکه فریادی است برای مرگ حقوق انسانی، عدالت و امنیت.

این اعتراضات صرفاً اعتراض به حلقه پایانی چرخه خشونت نیست که منجر به قتل و حذف جوانی توسط جوانی دیگر شده، که خود او نیز قربانی خشونت شدیدتری است که ریشه در ساختار تبعیض‌آمیز موجود دارد.

این سخن نه به معنای تطهیر عامل یا عاملان قتل‌های این چینی رو به افزایش در جامعه، که جلب توجه به این نکته بنیادی است که آسیب‌های اجتماعی چون سرقت و قتل، تحت تاثیر یک عامل ایجاد نمی‌شوند که با مجازات عاملان مستقیم آن از بین بروند؛ بلکه خشونت‌های خرد بر ساخت چرخه خشونت‌ها و فساد کلان در کشور است.

اگر سارقان و زورگیران در سطح خرد، جسم و روان شهروندی را می‌آزارند، در سطح کلان سال‌هاست جامعه در معرض انواعی از خشونت‌ها از جانب یقه‌سپیدهاست که با انواع اختلاس‌ها و رانت‌ها، هم دارایی جامعه را غارت کرده و می‌کنند و هم فقر و نابسامانی را بر جسم و جان میلیون‌ها شهروند ایران آوار می‌سازند و فرصت‌های #زندگی‌معمولی را از ایشان دریغ.

حاکمانی که با دیگری‌سازی هر منتقد و معترض، برقراری امنیت در جامعه را از طریق حذف حقوقی، اجتماعی و فیزیکی آنان در اولویت قرار داده‌اند؛ آغازگر ترویج خشونت هستند که در سطح خرد آثارش را در سطح جامعه شاهدیم.

در جامعه‌ای که بر مبنای تبعیض شکل گرفته، دانشجویان به عنوان قشر آگاه و حساس جامعه، وظیفه خود می‌دانند علیه این نابرابری‌ها بایستند. آن‌هم نه برای خود، بلکه برای آن‌ها که تریبون و صدایی برای بیان رنج زندگی به مسلخ برده خویش ندارند.

به گمان ما اعتراض به قتل امیرمحمد خالقی، حرکتی از سر احساسات جریحه‌دار شده نیست؛ بلکه

"جنبشی است برای بازیابی ارزش‌هایی که در جامعه امروز به محاق رفته‌اند".

کانون صنفی معلمان ایران، به عنوان بخشی از جامعه که سال‌ها در کنار دانشجویان، کارگران، پرستاران، وکلا و روزنامه‌نگاران و... شاهد تبعیض‌ها و ایجاد ناامنی‌های روانی و اجتماعی بوده، از اعتراضات آن‌ها حمایت می‌کند.

حمایت از دانشجویان به معنای اعتراض به حاکمیتی است که؛

امنیت را صرفاً در بقای ساختار ناعادلانه موجود تعریف می‌کند و برای حفظ آن از به کارگیری هرنوع ابزار سرکوبی ابایی ندارد.

به معنای حمایت از آینده‌ای است که در آن هر فرد، فارغ از طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت یا مکان زندگی، بتواند در آرامش و امنیت زندگی کند.

به معنای حمایت از جامعه‌ای است که در آن جوانان، به جای ترس و ناامیدی، امید و انگیزه داشته باشند.

امیرمحمد خالقی تنها یک نام نیست؛

بلکه نمادی است از تمام جوانانی که استعدادها، آرزوها و رویاهایشان نابود شده است!

حمایت از اعتراضات دانشجویان، نه تنها یک اقدامی اخلاقی که ضرورتی اجتماعی است.

ما باید به آن‌ها بپیوندیم و صدای آن‌ها را تقویت کنیم زیرا؛

تنها از طریق همبستگی و درک مشترک است که می‌توانیم در مسیر دستیابی به عدالت و آزادی و امنیت به معنای واقعی، حرکت کنیم.

***بیانیه کانون نویسندگان ایران:**

فرخنده باد روز زبان مادری؛ روز زبان‌های مردم ایران!

زبان به مثابه‌ی نظامی از نشانه‌ها و قاموسی از قراردادهای برای بیان یا انتقال افکار و عواطف، بی‌کرانی از اصوات را به تصورات و انگاره‌های آدمی پیوند می‌زند و نیرو و کنش‌یست که درک درست از دیگری در هستی را شکل می‌دهد.

بهرغم باور رایج، زبان صرفاً ابزاری جهت انتقال معانی و مفاهیم نیست بلکه فراتر و والاتر؛ جهانی‌ست که هستی انسان در آن تجلی می‌یابد و تعیین می‌پذیرد. هر زبان جهان را به شکل متفاوت و خاص خود برش می‌زند و سامان می‌دهد و گستره‌ای از معانی و مفاهیم بدیع و رنگارنگ را به‌روى انسان می‌گشاید و این خود بر اهمیت تنوع زبان‌ها می‌افزاید.

زبان مادری بخشی مهم و انکارناپذیر از هویت و هستی آدمی و خویشتن اوست. انسان، به میانجی زبان مادری به درک و دریافت از خود و مآلاً از دیگران و جهان می‌رسد لذا ایجاد هرگونه ممنوعیت در مسیر آموزش زبان مادری، در حکم به‌زنجیر کشیدن انسان در دنیایی ناشناخته و ناامن است و نیز تعرض به ساحت آگاهی و عواطف اوست. باید دانست که همواره توسل به یک زبان رسمی اجباری، مقوله‌ی زبان مادری را خواه‌ناخواه به شکلی از اشکال ستم ملی و محملی برای تثبیت سلطه‌ی فرهنگی و رواج تک‌صدایی بدل می‌کند.

نه‌سزااست با تنگ‌نظری و تکیه بر وهم تجزیه‌هراسی و جداسری و نیز به بهانه‌ی بسندگی زبان فارسی و با استناد به دست‌آوردهای تاریخی آن، بر کوس خودبرتربینی و عظمت‌طلبی کوید و نائره‌ی مخاصمت و منازعت افروخت و متوهمانه زوبین مباد بر آسباد زد!

یکی از وجوه بارز تبعیض و شکلی از ستم ملی همانا ستم زبانی‌ست که این خود نه پدیده‌ای این‌زمانی و متاخر است که به‌طور سازمان‌یافته از موالید و مواریث بلافصل حکومت پهلوی‌ست و دریغا که تا‌هم‌اکنون نیز تداوم یافته است. انسان تحت ستم و سلطه‌ی زبان رسمی اجباری، به‌طور مداوم درحال برگرداندن خود برای دیگری و نیز ترجمه‌ی دوسویه‌ی معانی و مفاهیم از زبان رسمی به زبان مقصد و بالعکس است که این ترجمان دما‌دم، از تاب و توان او می‌کاهد و بر ملالت و فرسودگی ذهن و زبان و نیز بر صعوبت و لکنت در گفتار او می‌افزاید. هم از این روست که به گواهی آمار، بیشترین میزان بازماندگی از تحصیل درمیان گویشوران به زبانی غیر از زبان رسمی به‌چشم می‌خورد.

اخیراً و در آستانه‌ی روز جهانی زبان مادری، شاهد موج گسترده و فزاینده‌ی بازداشت‌ها در میان فعالان مدنی و فرهنگی و کنش‌گران حوزه‌ی زبان‌های مادری در استان‌های مرزی کشور بوده‌ایم. بازداشت‌های خشونت‌آمیز و خودسرانه‌ی شهروندان عرب، ترک، بلوچ و کرد در ماه‌های اخیر خود گواه روشنی‌ست بر نگاه خصمانه و تقلیل‌گرایانه‌ی حاکمیت نسبت به فعالان مدنی و فرهنگی در استان‌هایی که مردمانش به زبانی غیر از زبان رسمی سخن می‌گویند.

باید افزود که مسئله‌ی نادیده‌انگاری و نقض حق آموزش زبانی غیر از زبان رسمی، معنایی جز نقض بارز حق آزادی اندیشه و بیان و نیز انکار آشکار تنوع فرهنگی در سرزمین نابرابر ما ندارد و حقیقتی تلخ است که این نادیده‌انگاری‌ها، تنگ‌نظری‌ها و بگیر و ببندهای هرروزه، در وانفسایی که قامت قاطبه‌ی مردمان این سرزمین تحت فشار انواع ستم‌های طبقاتی و تبعیض‌های اقتصادی و معیشتی و محرومیت‌های فرهنگی و اجتماعی، هرروز بیش از پیش خمود و خمیده می‌شود؛ بار گرانی‌ست بر دوش خسته‌ی مردمان بی‌ل‌بخت و رنج مضاعفی‌ست بر انبوه آلام ایشان.

به‌جاست بر این نکته انگشت تاکید بگذاریم که علی‌العموم هیچ زبانی در تضاد و تعارض با زبان عمومی و رسمی یا همان زبان میانجی و مشترک زبان‌های گوناگون در یک سرزمین نبوده و نیست بل این تنوع و تکثر بر غنا و بالندگی هرچه‌بیشتر زبان‌ها و تعامل و تفاهم میان گویشوران آنها می‌افزاید که این خود موی‌د و مبین اتحاد و تعامل فرهنگی جهان‌محور انسان‌ها، ورای سلطه‌ی سیاسی دولت‌ها و مرزهاست.

کانون نویسندگان ایران روز جهانی زبان مادری را به همه‌ی مردمان ایران و جهان صمیمانه شادباش می‌گوید و با اتکا و استناد به اصل سوم مندرج در منشور خود؛ "رشد و شکوفایی زبان‌های متنوع کشور را از ارکان اعتلای فرهنگی و پیوند و تفاهم مردم ایران می‌داند و با هرگونه تبعیض و حذف در عرصه‌ی چاپ و نشر و پخش آثار به همه‌ی زبان‌های موجود مخالف است" و نیز خواستار رفع هرگونه تحدید، تبعیض، بازداشت و پیگردهای غیرقانونی درخصوص همه‌ی کنش‌گران مدنی، فرهنگی و فعالان حوزه‌ی زبان‌های مادری‌ست.

***تداوم سرکوب معلمان؛ حبس ابوالفضل خوران در زندان اراک**

بر اساس آخرین گزارش‌ها، ابوالفضل خوران، معلم اراک، از دوم بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در زندان مرکزی اراک محبوس است. او به ۳ سال و یک روز حبس به اتهام “توهین به مقدسات” محکوم شده است؛ این حکم به دلیل برگزاری مراسمی در روز تاسوعا بر سر مزار مهرشاد شهیدی، از جان‌باختگان خیزش “ژن، ژیان، نژادی”، صادر شده است.

این پرونده شامل ۱۰ متهم بوده که احکام ۹ نفر دیگر به پابند الکترونیکی تبدیل شده، اما ابوالفضل خوران در کنار زندانیان جرائم مالی و سرقت، نگهداری می‌شود. افزون بر این، با رأی هیئت تخلفات، او به یک سال انفصال از خدمت نیز محکوم شده که این حکم تا خرداد ۱۴۰۴ ادامه خواهد داشت.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، سرکوب سیستماتیک معلمان و فعالان صنفی را تلاشی آشکار برای خاموش کردن صدای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی می‌داند. این شورا خواستار آزادی فوری ابوالفضل خوران و تمامی معلمان و فعالان صنفی زندانی است و از نهادهای حقوق بشری و صنفی می‌خواهد که نسبت به این ظلم آشکار اعتراض کنند.

***زهره دادرس فعال زنان و زندانی سیاسی از شرکت در جلسه کنکور دکتری منع شد**

با وجود ثبت‌نام و صدور کارت شرکت در جلسه و ارائه درخواست کتبی و پیگیری خانم دادرس، مسئولان زندان تا روز قبل از آزمون مخالفتی با مرخصی یا اعزام ایشان به جلسه آزمون نکرده بودند. اما روز پیش از آزمون که خانواده با مداد و کارت ورود به جلسه به ملاقات کابینی رفتند به آنها اعلام شد با شرکت ایشان در جلسه‌ی کنکور موافقت نشده است.

akhbarkargari2468@gmail.com